

وصف شخصیت و آثار علامه مجلسی در هدیه العالمین از سال ۱۱۴۲ق

۲۰۵-۲۱۴

چکیده: کتاب هدایة العالمین توسط یکی از نوادگان مجلسی در اصول دین و در هند نوشته شده است. نویسنده به مناسبت آثاری که در این زمینه نوشته شده از کتابهای اعتقادی مرحوم مجلسی و نقش آنها در جامعه ایران سخن گفته و به دلیل ارتباط خانوادگی روی تجربه های شخصی و شنیده های و دیده های خود تکیه کرده و شناخت تازه ای در این باره بدست می دهد. این گزارش شامل نکات تازه ای است که در باره علامه مجلسی و کتابهای ایشان و نفوذ آن در جامعه شیعی ایران در آن آمده است.

کلیدواژه: علامه مجلسی، خاندان مجلسی، آثار مجلسی، تشیع، هدایة العالمین

**Description of the Personality and Works of
Allāmeḥ Majlisī in Hidāyat al-Ālamīn from
1142 AH**

Rasul Jafarian

Abstract: The book of *Hidāyat al-Ālamīn* is written by a Majlisī descendant in the principles of religion and in India. The author, due to the works he has written on the subject, has mentioned the late Majlisī's theological books and their role in Iranian society, and because of his family relationship, he has relied on his personal experiences and his direct information and observations and has given a new perspective about the personality of Majlisī. This report contains new points about Allāmeḥ Majlisī and his books and its influence in the Shiite Iranian society.

Keywords: Allāmeḥ Majlisī, Majlisī's Family, Majlisī's Works, *Hidāyat al-Ālamīn*

مرحوم مجلسی در ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ هجری درگذشت، اما تأثیر او در فرهنگ مذهبی ایران تا به امروز قدرتمندانه ادامه یافته است. این تأثیر از زمان حیات او آغاز شد، چنان که فراوانی شاگردان و گسترده‌گی اجازات وی به آنها، شاهی استوار بر این امر است. سبک نوشته‌های مجلسی، چه آن‌ها که برای علما و طلاب به عربی نوشت و چه کتابهایی که به فارسی و برای طبقات عادی اما با سواد جامعه می‌نوشت، هم از نظر نظم و ترتیب و هم مباحثی که در اصول عقاید و تاریخ امامان و بحث از اخلاق و رفتارهای اجتماعی و فردی نوشته، مطالبی روان، مبتنی بر احادیث و با نگرشی تقریباً میانه رو و مسائل مورد نیاز جامعه بود. البته، این زمان، «حدیث» ارزش زیادی یافته بود و مجلسی با تسلطی که بر آنها داشت، بسیاری از مباحث خود را با عبارات احادیث می‌نوشت. درگیر شدن مرحوم مجلسی با صوفیه، بسا او را بین بسیاری از علما و فقها محبوب تر کرد، هرچند دشمنی‌هایی هم علیه او پدید آورد. بعد از درگذشت او، به دلیل اهمیت آثارش، بویژه بحار الانوار، مجلسی در حکم یک قدیس درآمد و قبر وی و پدرش که در کنار مسجد جامع بود، مزار مردم شد.

کتابی که بخشی از آن را ملاحظه خواهیم کرد، از یکی از اعضای خاندان علامه مجلسی است که در زمان نگارش آن، در هند در شهر مقصود آباد از منطقه بنگاله و تحت حکایت حاکم آن دیار بوده است. او خود را «ابن محمد تقی المجلسی، عزیز الله» نامیده است. در متن هم، علامه مجلسی را جد خود می‌خواند. در واقع، چنان که می‌دانیم، نویسنده این رساله، عزیزالله بن محمد تقی الماسی بن عزیزالله بن محمد تقی مجلسی معروف به آخوند (پدر علامه مجلسی) است. مقصودش از جد هم، علی القاعده باید مادری [از چه طریقی؟] باشد. شرحی از این کتاب با عنوان هدایة العالمین [کذا] فی اصول الدین، بر اساس توضیح میرزا حیدر بن عزیزالله [مؤلف همین کتاب هدایه] در الاجازه الکبیره ی او، در باره کتاب پدرش، در ذریعه (۱۸۴/۲۵) آمده است. او می‌گوید، پدرش این کتاب را در سال ۱۱۴۲ در مقصود آباد از بلاد بنگاله هند برای موتمن الممالک [کذا. در متن ما الملک] شجاع الدین محمد خان اسد جنگ نوشته است. در متن نسخه هدایة العالمین آمده است که این رساله بر اساس حق الیقین علامه مجلسی و طبعاً به زبان ساده تر نوشته شده است.

کتاب یک دوره اصول دین است و آقا بزرگ می‌نویسد: نسخه ای از آن در اختیار فخر الدین نصیری با تاریخ کتابت ۱۲۰۵ بوده است. عنوان هدایة العالمین که در ذریعه آمده علی القاعده روی نسخه ای بوده اما در نسخه ما و نسخه ملی، همان هدایة العالمین ضبط شده است. مرحوم معلم حبیب آبادی هم در باره خاندان مجلسی و از جمله کتاب هدایة العالمین نوشته است (مکارم الآثار: ۵۳۰/۲ - ۵۳۱).

آنچه سبب شد این کتاب را معرفی کنیم مقدمه این کتاب در باره علامه و آثار او و گواهی بر آن است که این آثار تا چه اندازه گسترده بوده است. تاریخ تألیف این رساله ۱۱۴۲ یعنی ۳۲ سال بعد از

درگذشت علامه مجلسی و در خارج از ایران بوده است.

به هر روی، با این که بنده قبلا یادداشتی در باره این نسخه نوشته بودم (کلک و کتاب: ۲۷۶/۳ - ۲۷۹) مجدداً متن جدید را با افزوده‌هایی تقدیم می‌کنم، هرچند نکاتی در آن یادداشت هست که اینجا نیامده است.

در مقدمه ملاعزیز الله، چند نکته قابل توجه هست:

نکته اول این که نویسنده در ستایش علامه مجلسی، از اسامی کتابهای معروف علمی در حوزه‌های فقه و تفسیر و حدیث و حتی علوم عقلی استفاده کرده است. برخی از اینها، اسامی کتابهای معروف دیگران و شماری هم از اسامی کتابهای خود مجلسی است. نویسنده گزینش و چینش زیبایی از این اسامی در این ستایش نامه انجام داده است. این سبک، موارد مشابه دارد.

نکته دوم آن است که نویسنده متن زیر که اخباری مسلک بوده و روش او مانند مکتب خود علامه مجلسی است، دو جریان را برابر هم قرار داده است. او از کسانی که «قدم بر قدم مشائیان یونان» گذاشته اند، به عنوان افراد گمراه یاد کرده و نقش علامه مجلسی را در احیای موارث حدیثی، چنین می‌داند که او بعد از روزگاری که طلاب رغبت در فلسفه خوانی داشتند، به احیای کتب حدیث پرداخت: «... اکثر کتب احادیث از چهار صد اصل مشهور و غیر آنها که در این اواخر به سبب رغبت طلبه بیشتر علوم حکمی و اقوال فلسفی مندرس و متفرق بلکه از میان رفته بود» آنها را با زحمت گردآوری کرد.

نکته سوم این که در کنار اشاره به تلاش مجلسی در تدوین کتابها و این که آثار او در همه خانه‌ها هست: «در جمیع ولایات عالم از بلاد موافق و مخالف از عرب و عجم منتشر و متواتر است، و در کم قریه و دهی است که اکثر آنها نباشد»، از تلاش او برای گردآوری آثار حدیثی یاد کرده است. این نکته دقیق و درستی است و می‌توان گفت، به خاطر بحار، شمار زیادی کتاب قدیمی و به قول خود مجلسی، نسخه‌های عتیق توسط شاگردان وی که روحیه گردآوری کتاب داشتند، یافت و در اصفهان جمع شد.

نکته چهارم این که نویسنده در باره تأثیر آثار او، به مسأله فارسی نویسی علامه مجلسی اشاره کرده و می‌نویسد: «کتب فارسیه اش از عین الحیاة و حیاة القلوب، و جلاء العیون و حلیة المتقین و حق الیقین و زاد المعاد و تحفة الزائر و مقباس المصاییح و ربیع الاسابیح و مشکوة الانوار و غیر اینها از رساله‌هایی که به خصوص نامی ندارد، و از مختصر و مبسوط زیاده بر آن است که محصور و مضبوط شود، بحمد الله تعالی باعث معرفت و بینش اکثر خواص و عوام بلکه کافه انام است». انصاف را این که در میان آثار اجتماعی و اخلاقی و عمومی در باره مسائل دینی، هیچ کتابی را نمی‌توان با این سری آثار علامه مجلسی مقایسه کرد. طبعاً مطابق روایات و عرفیات شناخته شده نوشته است.

مقدمه کتاب هدایة العالمین

اما بعد چنین گوید المهتدی بهدایة محمد وآله و أوصیائه، ابن المولی محمد تقی المجلسی، عزیز الله - من الله علیهما باتمام نعمته و هداة - که چون اکثر خلق عالم، و بنی نوع آدم، بنابر متابعت و ساوس شیطانی، و دواعی نفسانی، و میل به طریقه ی معتاد و پیروی آباء و اجداد، دست از مقتضای عقل و دانش، و دلالت فهم و بینش برداشته، از جاده ی مستقیم روشن حق دور، و در تیه ضلالت و غوایت حیران و کور مانده اند؛ پاره ای مانند هنود و امثال ایشان، یکباره دست از پرستش موجد و خالق و نعم و رازق خود که اکثر مقرزند که وجود و حیات و جمیع نعمتها و خیرات را از او دارند، برداشته، به عبادات جمادات چند که بیشتر را خود به سعی و مدد فکر و اندیشه و معاونت آلات تبر و تیشه ساخته اند پرداخته، و بعضی مثل مشرکین نصارا و اشباه آنها، انسانی چند را که علم به ولادت و وفات و مبتلا شدن به حوادث و آفات و احتیاج به امور بسیار و کمال افتقار و اضطراب و تسلط ظلمه و کفار بر هر یک دارند، شریک خداوند جبار و قادر مختار و پروردگار قهار یا فرزند او یا بلکه عین ذات ذو الجلال او می دانند - تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیراً - و جمعی به محض تعصب و عناد و مجانست اهل کفر و الحاد از معجزات باهرات و حجج و اوضحات پیغمبران خدا و ائمه هدی چشم پوشیده اند، و قلبی که به راه حق رفته اند اکثر جاهل از سبب و دلیل حقیقت، کورانه قدمی بر می دارند یا ترک متابعت سالکان منهج رسالت و هدایت و هادیان مسلک امامت و وصایت کرده، قدم بر قدم مشائیان یونان و امثال ایشان می گذارند، با وجود آن که اگر اندک چشم بصیرتی باشد طریقه ی نجات و راه دین و مذهب حق و یقین، چون آفتاب تابان روشن و نمایان است، و اکثر علما در رد اهل بطلان و اثبات حقایق ایمان، کتابها نوشته اند، خصوص افضل فضلاء متقدمین و متأخرین و اعلم فقها و محدثین مهبط فیوضات و مواهب خاصه ی الهی معدن فضایل و حقایق و معارف نامتناهی قدوه ی اهل فضل و اجتهاد، هادی طریق حق و رشاد، علامه ی علمای جهان و یگانه افاضل دوران، جامع فروع و اصول، حاوی معقول و منقول، کشف مبهمات قرآن که ذهن منیر صافیش هر یک از آیات احکام را به تفسیر کبیر در هر مجمعی بیان نموده، و حلال مشکلات فرقان که علم کثیر و افیش محکمات و متشابها کلام را به بیان جامع بیضای منیر کشف آیات و تفسیر و در تبیین و ضیاء چون منهج صادقان فرموده، فقیهی که لمعه ای از لمعات مطالعه دروس، و معالمش برای ارشاد به شرایع اسلام و تهذیب قواعد ایمان اهل استبصار و یقین کافیست؛ و حکیمی که شربتی از مفرحات مخازن علوم و حقایق و اشارات و نکت و دقایق جهت شفاء قلوب و تجرید اعتقاد و ایصال به منتهای مطلب و غایت مراد طالبان نجات و هدایت به صراط المستقیم دین شافی، معلمی که به برکت تعلیم و دلالتش سفاین قلوب تیره دلان جهل و ضلالت در بحار انوار معرفت و ایقان جریان یافته است، و مرشدی که از یمن ارشاد و هدایتش قوافل فروماندگان بی توشه و عریان به وادی ظلمانی غفلت و حیرت به حلیه متقین آراسته با زاد معاد به پرتو مقباس مصابیح لمعات فیوضش به راه حق و

یقین شتافته، به قطره ای از عین الحیاة نصایحش حیات قلوب مرده دلال عالمی تا ابد برپا؛ و به ذره ای از کحل الجواهر مواعظش جلاء عیون کور قلبان مردمان جاوید مهتیا، زبده الأبرار و ملاذ الاخیار الذی کان قلبه القدوسی مرآت العقول و مشکوة الانوار، جدی المرحوم المغفر المبرور، الغریق فی بحار رحمة ربّه الغفور، مولانا محمد باقر مجلسی - قدس الله روحه الشریف و طیب ضریحه المنیف - که مسلم است که از فضلالی عالم و علمای متأخر و متقدم مثل ایشان کم کسی سعی در ترویج و تحددی مذهب و دین و توضیح و تبیین طریقه ی حق و یقین و ضبط و جمع و انتشار اخبار و آثار ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - نموده، و بیان و تحقیق مشکلات و شبهات آنها به تأیید رب العالمین فرموده، بلکه اکثر کتب احادیث از چهار صد اصل مشهور و غیر آنها که در این اواخر به سبب رغبت طلبه بیشتر علوم حکمی و اقوال فلسفی مندرس و متفرق بلکه از میان رفته بود، حسب المقدور از بلاد و امصار بعیده به سعی و تصدیعات بلیغه بدست آورده، در بیست و پنج مجلد کتاب بحار الانوار جمع و توضیح و بیان کرده اند، چنان که هر کس رتبه مطالعه و غواصی آن بحر بی پایان را داشته باشد، می داند و از غرایب اتفاقات، تاریخ ولادت آن معدن کرامات با با جامع کتاب بحار الانوار موافق آمده، و بعد از جمع و تألیف کتاب مزبور یکی از تلامذہ ی آن جناب به آن مُلهم شده، و الأهمگی تا به حال از میان رفته بود، چنان که در این مدّت قلیلی که از رحلت آن مرحوم گذشته، نزدیکست که باز اکثر از میان برود، خصوص در این زمان که اصل طلب علم و تحصیل متروک است، و اگر کتب آن مغفور نبود، کار بر اکثر مردم مشکل بود، چنان که بغیر از تصانیف عربی از کتاب مرآت العقول و ملاذ الاخیار در شرح کتاب کلینی و تهذیب، حدیث و فوائد طریقه در شرح صحیفه ی شریفه و امثال آنها که مرجع و محتاج الیه علمای عظام و فضلالی فخام است، کتب فارسیه اش از عین الحیاة و حیاة القلوب، و جلاء العیون و حلیة المتقین و حق الیقین و زاد المعاد و تحفة الزائر و مقباس المصاییح و ربیع الاساییح و مشکوة الانوار و غیر اینها از رساله هایی که به خصوص نامی ندارد، و از مختصر و مبسوط زیاده بر آن است که محصور و مضبوط شود، بحمد الله تعالی باعث معرفت و بینش اکثر خواص و عوام بلکه کافه انام است، بلکه در این وقت بنای مذهب و عقاید و احکام و مسائل دین بر آنهاست، و بفضل اله و کرامات آن مؤید من عند الله، در جمیع ولایات عالم از بلاد موافق و مخالف از عرب و عجم منتشر و متواتر است، و در کم قریه و دهی است که اکثر آنها نباشد، و نادر کسی است که آن را ندیده بلکه ندارد.

غرض هرچه در مدایح و محامد او گفته شود کم، و زبان از بیان فضایل و مفاخر او ابکم است، و اظهار فضل و جلالت و شکر ارشاد و هدایت او بر همه عالم از اقارب و اباعد فرض و لازم، خصوص از برای تحریص و ترغیب قلوب! [قلوب] امم به تألیفات و تصنیفات او و به برکات و فیوضات آنها از ضلالت و گمراهی نجات و هدایت یافتن که مقصود اهم و مطلب اعظم است، پس بدان که آنجناب از جمله در اصول دین و ردّ بر مخالفین و معاندین کتاب حق الیقین را که حقاً هر سطر از آن طریق مستقیم

است به منزل عرفان و یقین، و به یقین هر فقره اش دلیل حقی است بر اصول ایمان و دین، تصنیف نموده، و طریقه ی تحصیل معرفت را بر همه کس سهل و آسان فرموده است.

و چون آن کتاب حقایق نصاب، مشحون بذکر اکثر حجج و ادله از آیات و اخبار و آثار، و به سبب عدم قابلیت فهم یا اطلاع بر حقایق و مآخذ آنها مورد اقرار و انکار و قبول و ردّ عوام و جهّال متعصّبین و اشرار است، این حقیر خواست که آنچه از دلایل واضحه و حُجج بیّنه طاهره که موافق عقول کافّه ی خواص و عوام بلکه نزدیک به افهام بهایم و انعام باشد، در هر یک از آن ابواب و رفع بعضی از شبهات و شکوک که در اذهان و خواص اکثر ناس می خَلَد، در هر باب، به عبارات ایان! [عیان] واضح لایق و شواهد مناسب مطابق موافق احادیث و اخبار معتبره ی مروّیه ی از ائمّه ی اطهار و مخبران صادق - علیهم السلام - تحریر نماید تا بر طالبان راه حق تحصیل معرفت اسهل و اسلم، و بر معاندین حجّت اکمل و اتم باشد.

و چون کتاب مزبور و هیچ یک از کتب دیگر در این باب مطلق در نظر نیست، و بنا بر این است که با وجود کمال تشویش بال و کثرت مکاره و امراض و اختلال احوال آنچه در خاطر باشد بیان شود، هرگاه سهو و نسیان یا غلط و اشتباهی واقع شود، از ناظران امید عفو و تصحیح و اصلاح دارد. و در این مقام به سبب زیادتی توضیح و تبیین مرام و تفهیم قاصرات الافهام از تکرار سخن و طول کلام که خلاف طریقه ی بلاغت است احتراز نمی نماید.

و چون توفیق تألیف این رساله و تحریر این مقاله در بنگاله از برکت ظهور دین و ایمان و اختفای اهل عصیّت و طغیان در بلاد کفر و عدوان، به یمن دولت و اقتدار و حکومت و اختیار نواب مستطاب فلک جناب، معلی القاب نامدار، کامکار گردون وقار، نصفت و معدلت شعار، صاحب صُوبه ی اقالیم عظمت و ابّهت و اجلال فرمانفرمای ممالک شهامت و حشمت و اقبال مشیّد ارکان دین و دولت ممهّد اساس ملک و ملت، اعنی نواب مؤتمن الملک شجاع الدوله اسد جنگ - خَلد الله دولته بعزّه و جلاله [در حاشیه: مخفی نماند که اینها همه القاب و خطاب از جانب پادشاه است. منه] بهادر فیروزی نشان اعلام مکان - اقام الله سماء حشمته و اجلاله - شجاع الدین محمد خان - اَدَامَ اللهُ ظلال اقباله - که از جلال عنایت خاصّه ی یزدانی به آن نظر کرده ی انظار فیوضات تامّه ی سبحانی خطابها، و القاب سامی و نام نامی او هر یک در عدد با عبارات دعا به تمامی موافق، و دو عبارت وسط هر یک از القاب و دعا، با تاریخ حکومت و ایالتش مطابق، و الحق چنین کرامتی چنان قدوه ی گرامی را لایق واقع گردید، و فی الواقع این نیز یکی از فیوضات آن معدن فیض است که به ظهور رسید، لازم دید که به اسم مبارک گرامی تریین داده، تحفه ی عالی مجلس خلد آیین آن حامی ملّت و دین و ماحی کفر و کین سازد.

امید که به فیض نظر خورشید اثر قبول علم اعتبار و اشتهار بر افرازد. و چون امیدوار است که باعث

هدایت اکثر عالمیان بشود، آن را به هدایه العالمین موسوم نمود، و نقاب خفا از چهره‌ی شاهد مطالب معروضه در ضمن مقدمه و پنج باب و خاتمه گشود، و من الله التوفیق و الهدایه و التأيید و الاعانة.

مقدمه در بیان بعضی تحقیقات و تنبیهات و تمثیلات که اولاً ضرور است.

باب اول: در توحید و متعلق آن و در آن سه فصل است...

باب دوم در عدل و در آن سه فصل است...

باب سیم: در نبوت و در آن سه فصل است...

باب چهارم: در امامت و در آن سه فصل است...

باب پنجم در معاد و در آن سه فصل است...

خاتمه در ضابطه یافتن بطلان سایر مذاهب مبتدعه و اعمال مخترعه و طریقه نجات از آن مهالک متنوعه است.

[مقدمه نویسنده، طولانی است و مطالبی به صورت تمثیل در باره خدا و رسولان او در تشبیه به پادشاه و فرستادن رسولان در شهرها، به صورت طولانی در باره انحرافات که در ادیان سابق سخن گفته و در پایان آن، به اختلاف در میان امت اسلامی بر می گردد و این که چگونه مردمان راه خطا رفتند. در نهایت، به جدال بین اخباری ها و تابعان فلسفه یونانی می پردازد که نقل آن سودمند است. عبارت او این است:]

و بعض دیگر که از این مهالک نجات یافته اند در طریقه‌ی تحصیل معرفت غلط کرده با وجود کمال ظهور و اعلان راه حق از برای طالبان آن، و بودن ادله‌ی آیات و اوضحات قرآن و احادیث و کلام صادقان اهل بیت اطهار - علیهم السلام - به تفکر و تدبیر در سخنان اهل شبهات و ضلالت و مطالعه و مباحثه شفا و اشارات و تتبع عقاید اهل یونان و امثال ایشان از حکما و متکلمان عمر گرانمایه را صرف نموده، اکثر آن است که بعد از سالها فکر و ریاضت و تعب و اجتهاد آخر بغیر از درافتادن به مهالک کفر و الحاد و مضایق حلول و اتحاد و انکار مبدأ و معاد یا تزلزل در دین و اعتقاد به شبهات اهل عناد چیزی حاصل نمی کنند، و کم مسأله‌ای است که آخر بنای آن را بر جایی گذاشته و مسلم دانسته باشند، و با یکدیگر در آن در معارضه و جدال و قیل و قال نبوده، حیران و سرگردان نباشند، مگر باز رجوع به احادیث و اخبار اهل بیت نبوت و معادن علم و حکمت نجات بیابند. و اکثر نیت و مطلبشان این است که در مجالس در بحث و جدال بر دیگران فایق آیند، و افضل و داناتر از همه به قلم روند.

و بسیاری از قبیل مستضعفین و اکثر عوام الناس و لاقیدان هر امت و فرقه، مطلقاً به دلیل و برهان تحقیق مذهبی نکرده، و هر کس هرچه گوید، اطاعت می کنند، و اکثر به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» بر دین پادشاه و بزرگ و مالک و آقای خودند، و اکثر این فرق و ملل چون ملاحظه شود،

به متابعت آباء و اجداد خود و این که مذهب خود را به سبب محبت و اُنسی که به آن دارند، و از طفولیت به آن خو کرده اند، و اغلب آن، مذهب مادران ایشان است، چون معاشرت با آنها کرده و از آنها تربیت یافته اند، و می خواهند آن را از دست نگذارند، از قبیل میلی که هر یک از اصناف ناس به کسب و پیشه و هنر آباء و اجداد خود دارند، و اکثر آن را بهتر از همه ی کسب ها می دانند، هر چند بسیار خسیس و پست مانند حجامی و امثال آن باشد، و تا ممکن است دست از انکار بر نمی دارند، اگرچه بهتر از آن به مراتب میسر شود، همچنان در مذهب و ملت در متابع ایشان بیشتر اصرار دارند، بلکه سعی در اثبات حقیقت آن به دلایل واهی و باطله، به محض خواهش نفس و جهالت و تعصب می کنند و در مهالک و بوادی ضلالت و غوایت برقرار مانده اند، و به زودی بغیر حسرت و ندامت و خسران دنیا و آخرت چیزی نخواهند یافت، و ان شاء الله تعالی اثبات مذهب حق و بطلان هر یک از این مذاهب و فرق را به ابلیس و جهمی می نمایند، و از برای هر که چشم بصیرتی داشته باشد، پرده خفا از روی شبهات و تشکیکات معاندین در هر یک از اصول دین به اثبات و اظهار بطلان آنها می گشاید، و به سبب کوری باطن خفاش سیرتان ظلمت نهاد از اهل عصبیت و عناد نقصی از برای خورشید تابان حق و ایمان در درخشندگی و ظهور و ضیای آن لازم نمی آید. أعاذنا الله و جمیع المؤمنین عن متابعة النفس و الهوی، حفظنا و ایاهم عن مخاطرة الجهل و الغوی، بفضلہ و رحمته، بحرمة محمد و آله اهل الرشاد و الهدی.

پس ای عزیز! دمی از خواب غفلت بیدار و از مستی جهل هشیار شو، و چشم بصیرت و گوش هوش بگشا، و در آنچه بیان می شود، از روی انصاف تأمل نما، که امید هست که اگر دست از تعصب و عناد و متابعت آبا و اجداد برداری به راه حق و رشاد هدایت یابی. و الله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم.

و اما نسخه ای که این یادداشت بر اساس آن تنظیم شده است، به شماره ۱۰۱۷۴ در کتابخانه مجلس نگهداری می شود. متأسفانه نسخه هدایة العالمین در این نسخه، از آخر افتادگی دارد. این نسخه که به خط مولف است، در مواردی، شخص دیگری صفحاتی را بازنویسی کرده است. علاوه بر هدایة العالمین، نسخه ای از ابصار المستبصرین، رساله ای ناقص در اثبات معاد که شاید ادامه نسخه هدایة العالمین بوده، رساله حق الیقین، رساله احکام میت، و کتاب الانوار البدریه لکشف شبه القدریه در آن هست. نسخه دیگری از هدایة العالمین در کتابخانه ملی به شماره ۴۰۹۱ هست که عجالتا به آن دسترسی نداشتم.

بسیار یاد فی توضیح و تبیین ملام و تقمیه قاصرات الاطعام از نظر اخراج
طول کلام که خلاف طریق بلاغت است اعتراض نماید و چون توفیق یافت
این رساله و تحریک این مقاله در نکال از بکرت ظهور و نیز ایمان در
اصول عصبیت و طغیان در بلاد کفر و عدوان زمین دولت و اقتدار
و حکومت و اختیار نواب مستطاب فلک کتب علی القابله و کلام
گردون و طار نصف و معدلت شعار صاحب صوبه افاکیمت
القت واجلال فرمانفرمای مالک شهابت و شربت و اقتدار
مشید را کان دین و دولت مهتم اساس ملک و ملت اعنی
نواب مؤمن الملك شجاع التوالتند خلد الله ذلک و لیس بعز و جلاله
بها در فریزی نشان اعلامک اقام الله سماء حشمته و واجلاله
شجاع العزیز محمد خان آدم الله ظل اول اقباله که اجلال
عنايت خاصه نیز و فی بیان نظر کرده انظار فیوضات تامه سجا فی
والقارب ساهی و نام نامی او هر یک در عدد با عبارت دعا بقا می
و دو عبارت وسط هر یک از القاب و دعا یا تا تاریخ حکومت را پیش
مطابق و لیس چنین کره می چنان قدوع کره می الاق است و اتم
و فی الواقع این نیز یکی از فیوضات آتمدن فیض است که ظهور رسالت
دین که با هم مبارک کره می ترین داده و شرف علی مجلس ظل الامین آن ساهی
ملت و دین و ماسحی کفر و کین سازد امید که فیض نظر و شرف
قبول علم اعتبار و شتهار بر فراز و چون امید و است که با غیب
اکثر علمیان بشود آنرا هجده العالمین موسوم نموده و نقار خفا
جهره شاهد مطالب هر وضه در ضمن مقدمه و پنج باب خلاصه کتب

فصلی در بیان
تاریخ حکومت
و احوال سادات
و اعیان